



پرستار

ویژہ نامہ مناسبتہ
بسج جامعہ نیشکے
بیمارستان شہدا

ترجمہ پیشہ

پرستار!





بسیج جامعه پزشکی
بیمارستان شهدا



اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ



فهرست مطالب

دیباچه عشق ۵

بخش اول: حضرت زینب(س)

آئینه تبسم مدینه ۸

زینت معنای زینب علیها السلام ۱۰

بخش دوم: پرستار

مهرآفرین شامگاهان درد ۱۴

همیشه بیدار و هشیار بیمار ۱۴

از فرض تا واقعیت ۱۸

ویژگی های پرستار خوب ۲۰

مهربان شریف ۲۵



پرستار

واژه ای دوست داشتند که از حرف به حرف نام، مهر و فداکاری مرچکدا

و قتر صدایم مرکنند و منبر را پرستار خطاب مرکنند ذوق زده مرشوم!

گاه سبب به فکر فرو مرروم که چرا پرستار شده ام؟!

فکر مرکنم! به تمام اتفاقات تلخ و شیرین که مکنس است برایم پیش یابید

مکنس است در علم که کم که جا، عزیزانم را نجات دهد

و یاد علم که منس و اولاد به دلایم خبر بدش باشم!

مکنس است در مواقع سکوت کنم که اگر قبلد بود شاید به هیچ وجه را نضر به سکوت نمرشدم!

مکنس است از خواب و خوش گذرانهای معمول

و مناسبت های مهم و خاص که دوست داشتیم در کنار خاص ترین باشم بگذرم!

چرا که باید در بعضی مواقع، منس!

نجات دهند کسر در شب تحش باشم!

شاید در جلوی چشم نام مرگ و تولد زیادی اتفاق بیفتد

شاید با روح خوشحال کسر طوری همراه شوم

که هیچ وقت در زندگیم آتش در خوشحال نبوده باشم!

شاید در نماند کسر طوری همراهش کنم

که خودم هم از خودم تعجب کنم!

منه

پیردستان

شده لها

به رویای کودکی رسیده لها

روپوش سفیدم رملایپوشتم و به زودی قرلا است نقش نجات دهنده دلشته باشم!

منه خوشحالم که روزی که نزدیکانم به منه تبریک مرگویند

نامش در تقویم «روز پرستار» است

منه پرستارم!

تبریک مرگویم

و این روز را به خودم و تمام دوستانم و ایستادم

روز پرستار روز نجات دهنده مبارک

کارنده زندیاد سیده محصومه موسوی

گویا بار دگر حضرت پیغمبر دید
عکس از ماه رخ کودکی زهارا



بین آغوش برادر چقدر آرام است
چقدر ناز ریودست دل باجا را

بخش اول

حضرت زینب (س)



آئینه تبسم مدینه

سیدعلی اصغر موسوی

مدینه غرق نور است؛ غرق عطر صلوات!

مدینه، لحظه های تازه ای را تجربه می کند؛ گویی تنزیل تازه ای از عرش فرود آمده است! این نور الهی، چیست در کالبد خانه زهرا علیهاالسلام؟ چیست این مهر مصطفوی که صلابت مرتضوی اش، آمیخته با تبسم است؟

کیست این آئینه عطوفت که زینت پدر است و گرمی بخش دل مادر؟

کیست این که شور شکیبایی اش، آکنده از صبر ایوب است صداقت زهرایی اش، حتی نگاه مادر را به تحسین واداشت است؟

کیست این جلوه شگرف آفرینش که با لبخندش، تبسم بر لبان پیامبر صلی الله علیه و آله نشانده است؟

کیست این که از گاهواره پرندپنش، عطر سیب جاری است و نگاهش، آکنده از گوازه های کربلایی است؟

بانو، ای صبر جمیل، ای آئینه بی بدیل شکیبایی! کجاست ایوب صبر تا از قاموس شکیبایی ات نصیبی ببرد؟

کجاست قلمی تا ناتوان از تحریر عظمت نباشد؟!

چگونه شعری می تواند به ارتفاع بلند نامت دست یازد؛ آنجا که مقابل شکوه نامت، تمام قصاید، کوتاه و تمام غزل ها، ناتوان از توصیفند!

ای قهرمان فصاحت و بلاغت! جایی که توبه به سخن بگشایی، حتی سکوت، برای شنیدن کلمات علوی ات سکوت خواهد کرد!

جایی که تو پای بگذاری، اسارت از آنجا کوچ خواهد کرد!

جایی که نام مقدس تو جاری است، تمام ناشکیبایی ها به صبر و تمام دردها شفا خواهد یافت؟



ای واپسین فصل شگفت عاشورا! اگر نبود صلابت علوی ات، عاشورا در غروب کربلا و کربلا با غروب عاشورا، به پایان می رسید!

بانو، ای صبر جمیل! حتی صبر، نیاز خود در ناز پرستاری تو می بیند. حتی درد، با یاد تو، تلخی خویش را فراموش می کند و آتش غم، با نام تو در دل ها خاموش می شود.

بانو! تنها تویی گویاترین کتاب دردهای اهل بیت علیهم السلام؛ تویی ام المصائب! تویی که با یادآوری غریبانه هایت، می شود تمام مرثیه های جهان را سرود.

میلادت مبارک، خاتون خانه ولایت، ای پرستار زخم های عاشورایی، زینب علیهاالسلام!



زینت معنای زینب علیها السلام

زیباترین جمله آفرینش

آسمان و زمین، عرش و فرش، خاک و افلاک، ملک و ملکوت گوش سپرده‌اند برای شنیدن. زمان، زمان تولد زیباترین جمله آفرینش است. زمان، زمان تولد خطبه‌هایی بلیغ است در گوش تاریخ. زمان زمان تولد بلاغتی علوی است در میان کلمات. زمان، زمان تولد نگاه دارنده مظلومیت و گوینده پیام عاشوراست. زمان، زمان تولد قافله سالاری است که از ازل تا فردای فرداها پرچم پیروزی کربلا را بر سستیغ قله‌های روزگار استوار کند. زمان، زمان تولد زینب است زینبی که «آئینه بردباری» علی علیه السلام و «کوثر شکیبایی» زهراست.

تولد بانوی حماسه ساز کربلا

تمام جهان را آئینه کاری کرده اند؛ همه آفریده‌هایی صبرانه چشم بر تولد دوخته اند؛ تولد شور شکیبایی در تن عشق؛ تولد بانوی حماسه ساز کربلا! فرشتگان با گلستان گلستان عطر و نور به استقبال آئینه دار صبر و شکیبایی آمده اند؛ آئینه داری که هر چه کوه و صخره است وام دار استقامت و ایثار اوست. آئینه‌داری که دانش آموخته مکتب پیغمبر صلی الله علیه و آله است و کوتاه‌ترین مفهوم بلند تاریخ را در همیشه بودن جار خواهد زد.

صبر با اشتیاق چشم به راه نشست است؛ چشم به راه بزرگ بانویی که معنایی شایسته برایش بیافریند؛ معنایی که قامت مصیبت‌ها در مقابل ایستادگی‌اش شکسته شود. معنایی که تکثیر نور رضایت است و بندگی در برابر پروردگاری که به زیبایی آفرید و آزمود. معنایی که تفسیر وداع شبانه زهرا علیها السلام، فرق شکافته علی علیه السلام، جگر شرحه شرحه حسن علیه السلام و قامت صدپاره حسین علیه السلام است.

اقیانوسی از غم و رنج

می‌آید تا تمام هفت آسمان بر کوه شانه‌هایش بایستند؛ شانه‌هایی که غم‌هایی سنگین را تجربه خواهند کرد و زنجیر شکیبایی را بر قامت رنج‌ها خواهند بست. او وارث حکمت و عشق و ایمان محمد صلی الله علیه و آله است، وارث خطبه و اندیشه زهرا علیها السلام؛ وارث شجاعت و

بلاغت علی علیه السلام ، وارث «کرامت و زهد» حسن علیه السلام ، وارث رشادت و مظلومیت حسین علیه السلام .

زینب یعنی اقیانوسی از غم‌ها و رنج‌ها. زینب یعنی آیه آیه ایمان و ایثار. زینب یعنی چشمان ستاره‌ریز کودکان بی‌تاب. زینب یعنی استقامت در نزول بی‌امان اندوه و درد. زینب یعنی خالق سرخ‌غزل ایستادگی. زینب یعنی غربت شام و شبی به وسعت رستاخیز. زینب یعنی فریادی مجاهدانه در سرزمینی غریبانه. زینب یعنی راز آفرینش خواهر. زینب یعنی قلب تپنده کربلا در نَفْسِ نَفْسِ آفرینش حماسه، زینب یعنی ادامه بی‌وقفه پیام عاشورا، زینب یعنی صبر، صبر، صبر!

*

میلاد است، اما بغضی فروخورده در آن سوی فرات زینت سرور و شادی است؛ زینتی که زینت معنای زینب علیها السلام است.

...گویی تمام مصیبت‌ها می‌خواستند صبر زینب را در گستره هستی بیازمایند، اما از همان لحظه تولد زینب علیها السلام ، زیباترین جمله هستی چشم گشوده بود که پاسخی قاطع و محکم به تمام مصیبت‌ها و آزمون‌ها می‌داد و اینک زمان حماسه آفرینی‌اش بود؛ ما رأیت الا جمیلا!



تقدیم بہ تو عزیز دلم

روزت مبارک!





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیر دستار



مهر آفرین شامگاهان درد

سیدعلی اصغر موسوی

بیداری هایت را سپاس؛ که آسایش دیگران را برتر از رنج خویش می دانی! آسایشت فراهم و خستگی ات توأم با آسایش باد، ای پرستار، ای گرمابخش نگاه های خسته از بیماری!
لباس سفیدت که بی شباهت به بال های پرندین فرشتگان نیست، برازنده ات باد! برازنده نامت فرشته بودن و برازنده نگاهت تبسم گرم امید!

شب هنگام که سکوت در فضای بیمارستان می پیچد و فرشته سلامتی در رویاهای کوچک و بزرگ، به پرواز درمی آید، تنها چشم هایی که فضای تکراری تخت ها را می پاید، چشم های توست. هیچ لحظه ای برای تو تکراری نیست که مهر آفرین تبسم در تیره شبان درد و رنجی!
تنها نامی که همیشه برازنده ات بوده و خواهد بود همان پرستار مهربانی است که فانوس آرزو در دست، تا عمق دردها نفوذ کرده، شعله های امید را در دل ها روشن می سازد.

چه روز فرخنده ای با نامت عجین شده است؛

روزی به شکوه عاشورایی زینب علیهاالسلام؛ روزی به زیبایی نخستین تبسم کودکان درگاهواره؛ روزی سرشار از اخلاص و کرامت؛ اخلاص دست هایی که تب سوزان درد را در دل ها خاموش می کنند و کرامت تبسم هایی که فانوس امید را در دل دردمندان روشن می کنند.

امشب و امروز، گویی دست عنایت زهرایی حضرت زینب علیهاالسلام بر جبین دردمندان است که هر کسی دخیل به یاد و نام غریبانه او بسته است!

امشب باید بیمار و پرستار، دل به ترنم یاد کسی ببندند که فارغ از زخم های بی شمار دلش، صبح آفرین شام غریبان کربلا شد؛

پرستاری که زخم های دلش افزون از ستاره ها و داغ های نهانش افزون از تمامی خشم و آتش تازیانه ها بود.



چرا به خود نبالد پرستاری که دل به کرامت زهرایی علیهاالسلام بانویی دوخته است که از عظمت نامش، تمامی دردها درمان و تمام ناشکیبایی ها، لباس صبر می پوشد؟! کافی است در تلخ ترین لحظه ها، از عمق دل فریاد زد: یا زینب علیهاالسلام! روز شکوهمند پرستار، بر فرشتگان امید و آرزو، سپیدپوشان مهربان، صبح آفرینان شام تلخ بیماری، مبارک باد!



همیشه بیدار و هشیار بیمار

محبت واژه‌ای است که از نام مقدس تو تابندگی می‌گیرد و تا ابد فانوس دل‌ها را نورافشانی می‌کند. حریر عاطفه‌ات نوازشگر مژگان آغشته به اشک است و تا همیشه هستی، ردپای احسانت در خاطره‌های رنجور به جاست. کلمات سرشار از نور عشق‌اند و نسیم آسایش و آرامش مولود نفس‌های التیام‌بخش توست.

ضرباهنگ گام‌هایت مهرخیزترین صدای آشنا است که پژواکش، دل بیماران را به آرامش می‌خواند.

سوسوی نگران چشمانت، اعتماد را در جان‌ها می‌نشاند و دلواپسی‌هایت تمام اندوه‌ها را به سامان می‌رساند. تو هر آینه، سهم خود را از بار امانت خداوند بر دوش می‌کشی و شب‌ها را مبهوت قدرت چشمانت می‌کنی و خستگی را خسته.

دریای امید از بارش قطره قطره ایمان تو سیراب می‌شود و اندیشه‌ها، حکمت بردباریت را با زمزمه نام زینب علیها السلام درمی‌یابند.

ای همیشه هشیار، آن هنگام که عاشقانه با تبسمی انسان دوستانه به بالین بیماران می‌روی گویی فرشتگان به تماشای قامت احساس‌ت می‌آیند تا به پاسداشت مقام شایسته‌ات در مرهم‌گذاری، همراهی‌ات کنند.

تو تمام مهربانی را با لباسی سپید پوشیده‌ای و شمعستان قلب‌ها را با پر توانی از توکل چراغانی می‌کنی.

تو ناامیدی را با آیه‌های امید و گشایش مجاله می‌کنی و طومار تمام دردها را با توسل در هم می‌پیچی.

تو آینه دار حضور درمانی در اوج رنج‌های خفته در جسم؛ رنج‌هایی که تب و تاب از عمق وجود می‌ریزند.



تو چشم انتظار شفایی با قنوتی که در پی استجاب است و باوری که آمین گویان تا آن سوی تیرگی و رنجوری را روشن می کند.

تو دنباله رو نشانه‌ها هستی؛ نشانه‌هایی که نشانگر آسودگی و فراغ از غصه و درد باشد تا لبخندی سرشار از درمان بر لبان بیمار شکوفا شود.

تو بیداری و شب زنده‌دار و چراغ مهر را زودتر از ماه روشن می کنی تا جسم‌های سراسر درد، آرام شوند و بی دریغ؛ می تپی تا صبح در قلب اتاق‌ها و راهروها، تا در خواب‌ها خورشید امید بکاری.

تو چونان بهاری که در خز آنگاهان جان، پس از رحمت خدا با دستوری از شفا، رستاخیزی به پا می کنی تا بهار حقیقی را در پرونده بیمار قاب کنی.

به راستی که باید قدردارن تو بود؛ تو که همچون میزبانی زلال و پاک در سایه‌نشینی لطف یگانه پروردگار، با تلاش‌هایی بی بدیل و بی مثال سلامتی را به میهمانت هدیه می کنی.

گویی ایستاده‌ای در تمام زمان، پیوسته، بی هیچ غفلتی و می چرخ می بر مدار صبر تا غنچه سلامتی و طراوت را بر شاخسار زندگی شکوفا کنی.



از فرض تا واقعیت

نگاه آخر پیرمرد هنوز در عمق چشم‌هایش جا خشک کرده بود. صدای کد ۹۹ در گویش‌هایش مثل صدای آجیر خطر بمباران بارها تکرار می‌شد. نفسش می‌گیرد، پنجره را کمی پایین می‌کشد. روزها بود که نفسش گرفته بود، پشت لایه‌های ماسک، تنش گر گرفته بود با لباس‌های فضایی ولی دلش قرص‌تر از همیشه به قوی‌تر بودنش می‌خواند. اما امروز حالش عجیب‌تر از همیشه بود. نگاه پسر ۲۳ ساله، پیرمرد ۷۲ ساله، زن ۳۰ ساله، مرد جانباز ۵۶ ساله و زن ۲۵ ساله از قطره قطره اشکش می‌چکد و به شهر نگاه می‌کند، به مردمی که ماسک نزده‌اند، به مردمی که بدون فاصله‌ای در هم تنیده‌اند، به مردمی که در آینه‌های دلش آخرین نگاه‌ها را نمی‌دیدند، کاش می‌توانست آخرین نگاه هم‌شهریانی که هر روز بر تعداد آنها اضافه می‌شد را به همه نشان دهد. کاش می‌توانست از التماس‌های پسر ۲۳ ساله بگوید که باترس و حسرت می‌گفت: «ترو خدا نذارید بمیرم... من جوونم...» کاش می‌توانست همه این غم‌ها را فریاد کند.

فریاد پسرک راننده بلند می‌شود: «خانم، حالتون خوبه؟ خانم... مگه نمی‌شنوید؟ خانم با شمام ...» به خودش که می‌آید می‌فهمد خیلی وقت است رسیده. پیاده می‌شود و یادش می‌افتد امروز شوهرش نان نگرفته است و باید نان بخرد.

دستکش‌هایش را در که در می‌آورد و سفره را از کیفش، با صدای عطسه سریع کله‌اش را بالا می‌گیرد، وقتی می‌بیند مرد دستی دور بینی‌اش می‌کشد و بعد انگشتانش را روی خمیر سنگک می‌کوبد دیگر طاقتش را از دست می‌دهد و می‌گوید: «شما چرا ماسک نزدیک؟ چرا دست آلوده از عطسه را به خمیر می‌زنید؟»

آن یکی همین‌طور که نان را از تنور در می‌آورد و پول را به نوجوان پس می‌گوید: «می‌ره تو تنور داغ و یروسش خشک میشه. حساس نباش خانم، هر کی حساس باشه بیشتر می‌گیره. ببین من از اول نه ماسک زدم نه دستکش دست کردم. روزی هم از صدنفر پول و کارت گرفتم و دادم هیچیم نشده.» زن لجش می‌گیرد و می‌گوید: «اولا کرونا و یروس ناشناسه، دوما عطسه ایشون روی نان‌هایی که خیلی وقته سرد شده و بیرون از تنور گذاشتی پاشیده شد. سوما شاید شما گرفتی و



بدنت واکنش نشون نداده و باعث شدی خیلی‌ها مریض بشن و اون‌ها هم به بقیه منتقل کردن و تو این زنجیره بعضی‌ها نتونستن باهش مقابله کنن و جونشونو از دست دادن؟ میدونی امروز چند نفر پیر و جوون از دنیا رفتن؟ اگه یکی از اینا از عزیزای خودت.»

مرد فوری می‌پرد وسط حرف‌های زن، دست‌هایش را بالا می‌برد و می‌گوید: «نه نه خانم نگوترو خدا، خدا نکنه عزیزای من... اونا عمرشون به دنیا نبوده. قسمت شون بوده.»

پرستار آهی می‌کشد و می‌گوید: «چطور برای شما حتی فرضش هم رنج آورده برای دیگران واقعیتش نه!»



ویژگی های پرستار خوب^۱

فاطمه عسکری

بی گمان پرستاران با در نظر گرفتن معیارهایی تعیین کننده، بیماران را جزئی از وجود خویش به شمار می آورند و به گونه ای با آنان رفتار می کنند که دوست دارند با خودشان رفتار شود. از این رو، برای پرستاری نمونه، ویژگی های گوناگونی متصور است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. یاد خدا

یاد خدا، مایه آرامش و نورانیت اندیشه و کردار آدمی است. خداوند متعال فرمان داده است که انسان در همه حال به یاد خدا باشد: «وَأَذْكُر رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِنَ الْغَافِلِينَ؛ پروردگارت را در باطن، از روی تضرع و هراس، آهسته و آرام در هر صبح و شام یاد کن و از بی خیبران مباش». (اعراف: ۲۰۵)

گاهی یاد خدا زبانی و گاهی قلبی است. آن گاه که پرستار با ایمان خود، به زیور یاد خدا آراسته باشد، این خدامحوری در رفتار او تجلی می یابد و با رفتار و گفتارش، مایه آرامش بیماران می شود. قرآن کریم نیز به این اثر ارزنده اشاره دارد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آنان که ایمان آورده اند، دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد، آگاه باشید تنها با یاد خدا، دل ها آرامش می یابد». (رعد: ۲۸)

یاد خداوند سبب حرکت انسان به سوی نیکوکاری و خدمت به بیماران می شود. امام علی علیه السلام می فرماید: «مُدَاوِمَةُ الذِّكْرِ قُوَّةُ الْأَرْوَاحِ وَمِفْتَاحُ الصَّلَاحِ؛ یاد همیشگی، غذای روح و کلید اصلاح امور و نیکوکاری است».^۲

روشنایی قلب پرستار، انسجام مسئولیت ها و انجام وظایف در کمال آرامش، تنها با یاد خدا ممکن است. اگر یاد خداوند یاری گر او نباشد، نمی تواند در برابر سختی ها تاب آورد. امام علی

^۱ بازنشر از: فصلنامه اشارات، بهار ۱۳۹۱، ش ۱۴۶، صص ۳۱-۴۸.
عبدالواحد بن محمد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، فصل ۸۰، ح ۱۲۱.

علیه السلام در سخنی دیگر می فرماید: «عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقُلُوبِ؛ بر تو باد به یاد خدا بودن؛ زیرا یاد خدا سبب روشنی دل هاست».^۱

پرستار، کار پرمشقت خود را در بر تو یاد خداوند، هدف مند می سازد و افزون بر پاداش دنیوی، پاداش اخروی را برای خود ذخیره می کند؛ ذخیره ای که همه گنجینه های گران بهای دنیا در برابر آن ناچیز است.

۲. فروتنی

فروتنی، صفتی ارجمند است که از فطرت پاک سرچشمه می گیرد. کسی که به دام خودبرتربینی می افتد، به بیماران بی اعتنایی می کند و هنگام راه رفتن، با غرور گام برمی دارد. قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛ با بی اعتنایی از مردم روی مگردان و با غرور در زمین راه نرو که خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد.» (لقمان: ۱۸) همچنین خداوند رحمان، صفات بندگان خالص را چنین می شمارد: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ بندگان خالص خدای مهربان، کسانی هستند که آرام و بی تکبر بر زمین راه می روند و آن گاه که جاهلان آنان را مخاطب سازند، به آنان سلام می کنند.» (لقمان: ۶۳)

همگان انسان های فروتن را دوست دارند و برایشان ارزش و احترام قایلند. حضرت علی علیه السلام فرمود: «تَمَرَةُ التَّوَّاضِعِ الْمُحِبَّةُ وَتَمَرَةُ الْكَبِيرِ الْمَسْبَبَةُ؛ نتیجه فروتنی، محبت است و نتیجه گردن کشی، دشنام».^۲

بنابراین، پرستار فروتن، محبوبیت ویژه ای میان بیماران و شهروندان دارد. آنان جامه سپید خود را که ارمغان سلامت است، به زینت بزرگی و فروتنی می آریند و وقار و متانت خود را با فروتنی همراه می کنند. چنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «التَّوَّاضِعُ يَكْسُوكَ الْمَهَابَةَ؛ فروتنی، جامه بزرگواری و وقار بر تن تو می کند».^۳

^۱ همان، فصل ۴۹.

^۲ همان، فصل ۲۳، ح ۲۷ و ۲۸.

^۳ بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۸۷.



۳. حُسن خلق

حُسن خلق با بیماران، از دیگر ویژگی های پرستاری نمونه است. پرستار چون فرشته ای سپیدپوش با خوش رفتاری می تواند به بهبود سریع بیماران کمک کند و به این سفارش امام صادق علیه السلام، جامه عمل بپوشاند که: «يَكُنْ جَانِبَكَ وَ تَطْيِبُ كَلَامَكَ وَ تَلْقَى أَحَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ؛ حُسن خلق آن است که برخوردت را نرم کنی و سخنت را پاکیزه سازی و برادرت را با خوش رویی دیدار کنی»^۱

پیامبر گرامی اسلام، همگان را به خوش خلقی سفارش کرده و آن را شرط ورود به بهشت دانسته است: «أَكْثَرُ مَا تَلِيحُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ؛ بیشترین امتیازی که امت من به سبب داشتن آن به بهشت می روند، تقوای الهی و حُسن خلق است»^۲

بنابراین، پرستاران با پیروی از اسوه اخلاق و به کارگیری دستورهایی نورانی ایشان، پیوند صمیمانه ای با بیماران برقرار می کنند. پرستاران بسیاری، با اخلاق نیک خود، بیماران را از چشمه محبت خویش سیراب، و پایه های دوستی و مهربانی را پایدار می سازند. وعده این ثبات و پایداری در پیوند دوستانه، در سخن پیامبر اسلام به خوبی ترسیم شده است: «حُسْنُ الْخُلُقِ يَثْبِتُ الْمَوَدَّةَ؛ خوش خویی، دوستی را پایدار می کند»^۳.

۴. تقوای الهی

پرستاران در میدان های دیگر زندگی، با انواع گرفتاری ها، تنگناها و سختی ها، روبه رو هستند. پرستاران موفق کسانی هستند که راه خروج از تنگناها را بشناسند و در برابر سختی ها، پایداری کنند. آنان باید در پرتو پرهیزکاری و پارسایی، آسانی و رهایی از سختی ها را به انتظار نشینند که خداوند می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ کسی که تقوای الهی داشته باشد، خداوند او را از سختی ها می رهند»^۴. (طلاق: ۲)

^۱ همان، ج ۷۱، ص ۳۸۹.

^۲ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، ج ۷۱، ص ۳۸۹.

^۳ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۵.



پرهیزکاری پرستار، او را محبوب بیماران و مردم می سازد و عزت و احترام ویژه ای برای وی به ارمغان می آورد. حضرت علی علیه السلام در اشاره به این اثر پارسایی می فرماید: «مَنْ اتَّقَى اللَّهَ فَهُوَ الشَّرِيفُ الْمُكْرَمُ الْمُحَبَّبُ؛ کسی که تقوای الهی پیشه کند، با شرافت، مورد احترام و محبوب مردم است».^۱

پارسایی و مبارزه با هواهای نفسانی و غبارویی جان از هواها، زمینه الهام گیری را برای هر پرستاری فراهم می کند و راه درست را به او نشان می دهد. شهید مطهری در این باره می فرماید: «گذشته از همه اینها، تقوا و خودنگه داری سبب می شود که انسان نیروهای ذخیره در خود را در راه های بیهوده و حرام هدر ندهد. بدیهی است که انسان نیرومند و بااراده و باشخصیت، بهتر تصمیم می گیرد و بهتر می تواند خود را نجات دهد».^۲

پرهیزکاری در عواطف و احساسات نیز تأثیر دارد و احساسات انسان را رقیق می سازد. شهید مطهری در این باره عبارت لطیفی دارد: «تقوا، تأثیر هوا و هوس را می گیرد. گرد و غبار و هوس ها را از صحنه جان انسان شست و شو داده و برای انسان صفای باطن، روشن بینی و استواراندیشی به ارمغان می آورد».^۳

بنابراین، پرستاران باید برای بهبودی بیماران و هم دردی با آنان بکوشند، چون جدیت و پی گیری پرستاران، بیمار را امیدوار می کند و به سلامتی کامل او می انجامد. بی توجهی در کارها سبب می شود درمان بیمار، ناتمام و بی نتیجه بماند. حضرت علی علیه السلام درباره جدیت در کارها می فرماید: «مَنْ يَعْمَلْ يَزِدْهُ قُوَّةً وَ مَنْ يَقْصُرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدْهُ فَتْرَةً؛ هر کس به انجام کاری برخیزد، نیرومندتر می شود و هر کس در کاری کوتاهی کند، سستی افزایش می یابد».^۴

۵. همراهی و همدلی با بیمار

^۱ همان، ج ۷۸، ص ۷۹.

^۲ مرتضی مطهری، ده گفتار، ص ۴۴.

^۳ همان، ص ۳۴.

^۴ تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ج ۱۳، ص ۱۵۲، ح ۲۸۰۲.



انسان در کنار تأمین نیازهای جسمانی، به نیازهای تفریحی، مذهبی، آموزشی، روانی، عاطفی و حمایتی، نیازمند است. بیماری که دستورها و آموزه های دینی با روح و جانس آمیخته شده است، با شنیدن صدای دل نشین اذان در پی برآوردن واجبات دینی اش برمی خیزد. کمک در این زمینه، سبب بهبودی سریع بیمار می شود. برپایی مراسم مذهبی، مانند نماز و نیایش، به همان اندازه برای بیمار اثرگذار است که دارو و درمان برای سلامت جسمی او کارساز است. بنابراین، پرستار باید زمینه انجام برنامه های عبادی، مانند وضو گرفتن، تیمم کردن، پهن کردن سجاده، قبله یابی و... را فراهم کند تا بیمار به آسایش و آرامش روحی دست یابد. البته پرستار با این کمک و یاری، از پاداش معنوی بی بهره نمی ماند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که پدرم [امام محمد باقر علیه السلام] بیمار بود، ایشان را در پارچه ای می نهادند و برای وضو ساختن می بردند»^۱.

همچنین گاهی بیماران برای مراقبت های ویژه از خود، به آموزش نیاز دارند. پرستاران باید با بردباری، بیمار را با مراقبت های درمانی از خود آشنا سازند و در صورت بیان پرسش هایی درباره اصطلاح های خاص پزشکی، به گونه ای که قابل درک باشد، به آنها توضیح دهند. در سیره عملی پیامبر، چنین آموزش هایی به بیماران دیده می شود. چنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «چشم سلمان و ابوذر ناراحت شد. پس پیامبر به دیدار آن دو آمد و هنگامی که به آنها نظر کرد، به هر یک فرمود: تا زمانی که به چشم درد مبتلا هستی، روی سمت چپ نخواب و تا خداوند بهبودی کامل به تو عطا نکرده است، خرما نخور»^۲.

تأمین نیازهای روانی و عاطفی بیمار بسیار مهم است. بیماری که از خویشان و بستگان و خانواده خود جدا شده است و در اتاقی در بیمارستان، به تنهایی ایام را می گذراند، بیش از همه به برقراری پیوند عاطفی و انسانی نیاز دارد. این مهم در آموزه های اخلاقی و دینی نیز بسیار تأکید شده و بایسته است که سرلوحه رفتار پرستاران قرار گیرد.

^۱ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۱۳۱.
^۲ بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۴۶.



مهربان شریف^۱

علی حائری مجد

پرستاری، شغلی شریف و انسانی

آیین پرستاری، یکی از جلوه‌های ارزشمند و ارجمند فرهنگ انسانی و نوعی داد و ستد فکری، اخلاقی و عاطفی میان انسانهاست. پرستاران چونان فرشتگان مهربانی هستند که می‌کوشند تا دیگران را از چشم پاک دانش و مهر خویش بهره‌مند سازند و در مسیر بهبود و سلامت آنان گام بردارند. اگر این دانش زمینی با بینش آسمانی پیوند یابد و در هم تنیده شود، رنگ خدایی می‌گیرد و با طراوت و تازگی خود، جان و روان آدمیان را شاداب می‌بخشد.

دشواری‌ها، ناچاری‌ها و بیماری‌ها، انسان‌ها را به یکدیگر نیازمند می‌کند. این نیازمندی را باید با مهربانی و همدلی پاسخ گفت تا گره از کار فرو بسته آدمیان بگشاید. در فرهنگ غنی اسلام، پرستاری از شریف‌ترین شغل‌ها شمرده می‌شود که محبوبیت اجتماعی و الهی را به همراه دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که در برطرف کردن نیازهای مریض تلاش کند و نیاز او را بر آورد، همانند روزی که از مادر متولد شده است از گناهانش پاک می‌گردد».^۲ ویژگی‌های یک پرستار خوب

۱. یاد خدا: روشنائی قلب پرستار و انجام مسئولیت‌ها و وظایف انسانی با کمال آرامش، تنها با یاد خدا ممکن می‌شود که اگر یاد خدا یاری‌گر او نباشد، نمی‌تواند در برابر سختی‌ها و مرارت‌های کار تاب آورد. یاد خداوند باعث می‌شود که پروردگار نیز انسان را در سختی‌ها یاری دهد. پرستار با یاد خداوند، خود را از محیط یک‌نواخت کار و زندگی جدا می‌سازد و کار پر مشقت خود را در پرتو یاد خدا هدفمند می‌گرداند. با این عمل، علاوه بر پاداش دنیوی، پاداش اخروی نیز برای خود ذخیره می‌کند.

^۱ بازنشر از: فصلنامه اشارات، بهار ۱۳۹۱، ش ۱۴۶، صص ۵۳-۶۸
^۲ بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۶۸.



۲. پارسایی: پرستاران در میدان کار و تلاش و میدان‌های دیگر زندگی، با انواع سختی‌ها روبه‌رو هستند. پرستاران موفق کسانی هستند که در پرتو تقوا و پارسایی، محبوب بیماران و مردم می‌شوند و عزت ویژه‌ای به دست می‌آورند.

۳. زمان‌شناسی و استفاده از ابزارهای مناسب در کار: همان‌گونه که هنگام بیماری باید به پزشک مراجعه و دارو مصرف کرد، برای به نتیجه رسیدن کار باید با استفاده از ابزار و امکانات لازم، زمان مناسب آن را هم در نظر گرفت. پرستاران در ارتباط با بیماران باید زمان‌شناسی را در دستور کار قرار دهند. چه بسا داروهایی که تنها در زمان مناسب خود اثربخش خواهد بود و استفاده بی‌دقت از آن، از تأثیر دارو می‌کاهد و طول درمان را افزایش می‌دهد. پرستاری که وظایف خود را به موقع و در زمان خود انجام ندهد، در تنگنای زمان قرار می‌گیرد و جبران این عقب افتادن کارها با شتاب در انجام آنها با آرامش‌بخشی به بیماران و انجام درست امور در تضاد است.

۴. اولویت‌بندی در کارها و تقسیم کار: هنگام تراکم کارها، پرستار باید کارها را اولویت‌بندی کند؛ یعنی ابتدا کارهای مهم‌تر را انجام دهد و کارهای کم‌اهمیت را به فرصت‌های بعدی واگذارد. اولویت‌بندی نکردن کارها سبب می‌شود پرستار در میان تراکم کارها متحیر بماند و آن‌گونه که شایسته است به انجام مسئولیت‌های خویش همت نگمارد. همکاری میان پرستاران نیز باعث سرعت و دقت در کار و آسان شدن کارها می‌شود.

۵. خوش‌رفتاری با بیمار: پرستاران با پیروی از اسوه اخلاق و به کارگیری دستوره‌های نورانی ایشان، رابطه صمیمانه‌ای با بیماران ایجاد می‌کنند و چه بسا پرستارانی که با اخلاق نیک خود، بیماران را از چشمه محبت خویش سیراب می‌سازند و پایه‌های دوستی و مهربانی را پایدار می‌کنند. در سایه‌سار خوش اخلاقی پرستار، ناراحتی‌ها و نکوهش‌های بیماران که گاهی از روی اختیار هم صورت نمی‌گیرد، به مهر و محبت تبدیل می‌شود. پرستار با گشاده‌رویی، بهتر می‌تواند با ناملایمات روبه‌رو شود. اگر پرستار هم مانند بیمار، تحول نداشته باشد، لحظه‌های ناآرامی برای هر دو و مجموعه پزشکی پدید خواهد آمد.



۶. حفظ آبروی دیگران: هر مسلمانی وظیفه دارد به اندازه توان خویش آبروی دیگران را حفظ کند. پرستاران که به طور طبیعی از بعضی مسائل خصوصی بیماران آگاه می‌شوند، لازم است با رعایت نکات اخلاقی، این موارد را محفوظ نگاه دارند و از فاش شدن آن نزد دیگران جلوگیری کنند. آنها باید تنها مواردی را که به سلامتی بیمار کمک می‌کند، به افراد مسئول انتقال دهند و از بیان نکاتی که ممکن است آبروی بیمار را حتی پس از سلامتی به خطر بیندازد، خودداری ورزند.

۷. احترام به بیمار: بیماران در شرایط روحی و روانی حساسی به سر می‌برند و انتظار دارند با سخنان آرامش‌بخش پرستاران تسلی یابند. این احترام در کردار پرستاران و پاسخ گفتن به درخواست بیماران شکل می‌گیرد. برای مثال، اگر بیماران دعوت به هم‌نشینی کردند باید پذیرفت؛ زیرا در غیر این صورت، بیماران تصور می‌کنند نپذیرفتن این درخواست به دلیل دوری کردن از آنهاست.

۸. سلام و احوال‌پرسی با بیمار: پرستاری که بخواهد در اولین برخورد خود، روحیه‌بخش بیمار باشد، باید با سلام و احوال‌پرسی با بیمار برخورد کند و شادی‌آفرین وی باشد و روابط دوستانه خود را تحکیم بخشد. سلام با ایجاد ارتباط دوستانه و پر مهر، میان پرستار و بیمار محبت ایجاد می‌کند. همچنین پرستار نباید در سلام کردن میان افراد ثروتمند و فقیر تفاوت بگذارد.

۹. نیکو سخن گفتن: شایسته است پرستاران هنگام سخن گفتن، ادب را رعایت کنند و به گونه‌ای حرف بزنند که در سخن آنها به شخصیت بیماران اهانتی نشود. آنها باید مقصود خود را در نهایت احترام و فروتنی بیان و متناسب با منزلت بیماران با آنان برخورد کنند.

۱۰. گشاده‌رویی: بیماران انتظار دارند پرستاران با لبخند و چهره گشاده با آنان روبه‌رو شوند. شایسته است پرستاران، غم‌ها و ناراحتی‌ها خود را در دل پنهان کنند و با چهره گشاده و لبخند دل‌نشین با آنان روبه‌رو شوند. خوش‌رویی، دل‌ها را جذاب و مهر و محبت را دو جانبه می‌سازد. از سوی دیگر، گشاده‌رویی سبب می‌شود خداوند با فضل و کرمش، گناهان او را ببخشد و وی را وارد بهشت کند.

۱۱. نرم‌خویی و سازگاری با بیماران: نرم‌خویی و سازگاری با بندگان خدا و تحمل درشتی‌ها و بدرفتاری آنان، رفتاری بس ارجمند است. به طور ویژه، مدارا با بیماران از جمله رفتارهای نیک



پرستاران است که دل‌ها را نرم می‌کند و به سوی خود می‌کشاند. مدارا سبب می‌شود بیمار و پرستار تلخ‌کام نشوند و از زمانی که در کنار هم هستند، خاطره‌های خوشی داشته باشند و بعدها هم این ارتباط دوستانه استمرار یابد. اگر پرستار نرم‌خو باشد، بیماران مشکلات خود را به راحتی با او در میان می‌گذارند و در کنار او احساس آرامش می‌کنند. پرستار باید بداند که نرم‌خویی از صفات پیامبر است. مدارا نه تنها سبب آرامش در بیماران می‌شود، بلکه این صبر و بردباری به پرستاران آرامش می‌دهد و سبب می‌شود با نشاط و شادایی، امور زندگی بیرون از محیط کار خود را نیز سامان بخشند.

۱۲. فروتنی: پرستاران فروتن از محبوبیت خاصی بین بیماران و افراد جامعه برخوردارند. آنان جامه سپید خود را که ارمغان سلامت است، به زینت بزرگی و فروتنی می‌آریند و وقار و متانت خود را با فروتنی همراه می‌کنند. پرستاری که در دام خودبرتربینی گرفتار است، هنگام رفتار با بیماران به آنان بی‌اعتنایی می‌کند و هنگام راه رفتن با غرور گام برمی‌دارد. بی‌شک، این غرور باعث عدم محبوبیت و طرد از طرف بیماران خواهد بود.

۱۳. خدمت بی‌منت: اگر خدمت به بیماران همراه با منت و خودنمایی باشد، بی‌نتیجه و بی‌ارزش است. از آنجا که نیازمندهای مردم، رحمت الهی است که به سراغ انسان می‌آید، در حقیقت، پرستاران در برابر وزش نسیم رحمت الهی قرار دارد. آنان با کارگشایی و رسیدگی به بیماران می‌توانند پذیرای این رحمت باشند و از بالاترین پاداش و نعمت الهی برخوردار شوند.

۱۴. عیب‌پوشی: چه بسا بیماران با انس و الفت با پرستاران، او را برادر یا خواهر خویش می‌شمارند و سفره دل خویش را می‌گشایند. در این حال، پرستار مسلمان با تکیه بر آموزه‌های دینی، خوشه‌چین صفات نیک بیمار می‌شود و عیب‌های او را نادیده می‌انگارد و برای دیگران بازگو نمی‌کند؛ زیرا قلب او صندوقچه اسرار بیماران است. عیب‌پوشی پرستاران سبب می‌شود خداوند در روز قیامت، عیب‌های آنان را بیوشاند.

۱۵. شوخ‌طبعی: بیمار برای اینکه بتواند بار دیگر در میدان زندگی حضور یابد و فعالیت خویش را از سر گیرد، باید از نظر روحی نیز تقویت شود. عواملی که در محیط بیمارستان می‌تواند سبب آرامش روانی بیمار شود و قوای تحلیل‌رفته او را بازسازی کند، فراوان است که خنده و شوخی



به جا و شاد کردن بیمار یکی از مهم‌ترین این راه‌هاست. شوخی باید برای شاد کردن بیماران صورت گیرد. بنابراین، اگر شوخی کردن سبب رنجش بیمار شود یا کسی مورد تمسخر قرار گیرد، ممنوع و نکوهیده است و چه بسا موجب کینه‌توزی و دشمنی می‌شود. همچنین شوخی پرستار نباید برای وی به صورت عادت همیشگی درآید، به گونه‌ای که همواره دنبال بهانه‌ای باشد تا به شوخی بپردازد. در این صورت، تشخیص شوخی‌ها و سخنان جدی او بسیار مشکل خواهد شد. بنابراین، باید مرز و حریم بین شوخی و جدی حفظ شود.

۱۶. آراستگی ظاهر: انسان به اقتضای فطرت خود، جوای پای‌کیزگی، زیبایی و آراستگی است و از ژولیدگی و آشفتگی پرهیز می‌کند. از این رو، شایسته است همه مردم به ویژه پرستاران هنگام برخورد با بیماران، با ظاهری آراسته به انجام وظایف بپردازند. عمل به این سفارش مهم به وسیله پرستاران، برای بیماران بسیار نشاط آور و شادی‌بخش خواهد بود و آنها را در رسیدگی به وضع ظاهر خویش تشویق می‌کند و امید به زندگی و نشاط را در آنان افزایش می‌دهد.

۱۷. بزرگ‌داشت سالمندان: رابطه افراد جامعه به ویژه پرستاران با سال‌خوردگان ناتوان و بیمار باید بیش از احترام معمول و متعارف باشد؛ زیرا احترام به بزرگ‌سالان در شمار احترام به ذات اقدس الهی است. بزرگ‌سالان حقوقی دارند که همه جامعه ملزم به رعایت آن هستند. پرستاران نیز در شرایط بحرانی و حساس با این افراد سر و کار دارند. پس باید در انجام این امر پیش قدم شوند و با حفظ احترام آنان، وظیفه خود را نسبت به ایشان به خوبی انجام دهند. پرستار باید با توجه به ارزش و جایگاه بیمار، از هرگونه توهین، دل‌شکنی و بی‌احترامی نسبت به آنان پرهیز کند. البته رعایت حال این بیماران زودرنج و نازک‌دل، دشوار است، ولی همیشه اعمال سخت و مشکل، پاداش بیشتری دارد.

منابع

اسدی، اکبر، فرهنگ پرستاری، قم، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان، ۱۳۷۵.

انصاری، عبدالرحمان، پیام زینب علیها السلام، زمینه‌سازان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.

جوهری، شکیباسادات، فرشته مهر، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۵.









فرشته رحمت

مقام معظم رهبری:

پرستار فرشته رحمت برای بیمار است.

خجسته میلاد باسعادت اسوه صبر و ایثار،
حضرت زینب (س) و روز پرستار گرامی باد.